

ایران



امام حسین (ع):
خوش‌اخلاقی عبادت است.

کنز العمال، ج ۱۳، ص ۱۵۱

- صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
- مدیر مسئول: محمدحسن روزی‌طالب
- سردبیر: حسام‌الدین برومند
- معاون فنی: محمدملاعلی اکبری
- دبیران: مصطفی عبوسی (سیاسی)
- مهدی مهرپور (اقتصادی)
- مصطفی وثوق‌کیا (فرهنگی)

- آزاده سهرابی (اجتماعی) • بنفشه غلامی (جهان)
- لیدا فخری (اندیشه) • محمدرضا عزیزی (گزارش)
- زهرا کشوری (زیست‌بوم) • سعید زاهدیان (ورزشی)
- مهدی کلهرزاد (اجرائی)
- حجت حکیمی (صفحه‌آرایی)
- محسن جانی‌پور (ویراستاری) • ابوالفضل نسایی (عکس)

- تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ • شماره: ۸۸۷۶۱۲۵۴ • ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
- پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۳۳ • روابط عمومی: نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
- صندوق پستی: ۵۳۳۸۸-۵۳۳۸۸ • امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰
- چاپ: چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جام‌جم
- سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه اینزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
- پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
- انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲



ای توامان هر بلا ما همه در امان تو
 جان همه خوش است در سایه لطف جان تو
 شاه همه جهان تویی اصل همه کسان تویی
 چونک دوستی آن ما نیست غم از کسان تو
مولانا

نقل قول



رحمان باقریان
بازیگر

چالش پیشنهاد کار در سینما

گویی سینما دیگر پذیرای ما نیست. بالاخره ما هم می‌خواهیم چرخ زندگی مان را بچرخانیم. این‌گونه هم نیستیم که برای دستمزد رقم‌های خیلی بالا مطرح کنیم. وقتی این روزها دستمزد بازیگران چهره و اصلی از مرز یک یا دو میلیارد تومان می‌گذرد، دستمزد من که ۴۰ سال است در این حرفه فعالیت می‌کنم چقدر باید باشد؟ من سال‌ها در رادیو و تلویزیون کار کردم و بازنشسته شدم اما امروز در همین صداوسیما هم تضمینی نیست که سالی یک پیشنهاد کار داشته باشم!

بخشی از صحبت‌های این بازیگر با مهر

یادداشت

واکنش علیه سوئد مصداق منافع ملی است



الهام عابدینی
پژوهشگر روابط بین‌الملل

چندمین بار است که در سوئد به ساحت مقدس قرآن توهین می‌شود؛ البته که این مصداق‌های اسلام‌ستیزی در غرب بی‌سابقه نیست اما آنچه سبب شده قرآن‌سوزی در سوئد پیش از همیشه مسلمانان و آزادی‌خواهان سراسر دنیا را خشمگین کند آن است که حاکمیت سوئد به بهانه آزادی بیان، به این دست اقدامات مجوز می‌دهد. چند روز قبل پینس استولنتنبرگ، دبیرکل ناتو که پیشتر نخست‌وزیر سوئد هم بود گفت «قرآن سوزی» نه تنها غیرقانونی نیست که اصلاً مصداق آزادی بیان است. یادمان نرفته‌که واکنش امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه به انتشار کاریکاتورهای موهن علیه پیامبر گرامی اسلام (ص) در نشریه شارلی ابدو هم حمایت از نشریه به بهانه آزادی بیان بود.

راستش نمی‌خواهم از معیارهای دوگانه و دروغ‌های‌شان بگویم که دیگر اظهر من الشمس است! موضوع حمایت از آزادی بیان نیست بلکه حمایت از اسلام‌ستیزی و ترویج اسلام‌هراسی است. امروز موضوع مهم این است: حالا که دیگر برخی کشورهای غربی آشکارا شمشیر را علیه اسلام از پشت بسته‌اند، مسلمانان چه می‌توانند انجام دهند؟ مهم‌ترین کاری که باید انجام داد، ایجاد وفاتق و اتحاد میان کشورهای اسلامی است. در واقع واکنش هماهنگ و یکپاس این کشورها به عنوان مثال اخراج سفیر سوئد و تحریم کالاها و برندهای سوئدی می‌تواند بازتاب‌سازنده‌ای داشته باشد و سوئد را هم تحت فشار قرار دهد. در نظر داشته باشیم که حدود ۱۳ درصد از صادرات سوئد به کشورهای اسلامی است.

هرچند تماشای این اهانت به قرآن قلب هر مسلمانی را در درد می‌آورد اما واکنش علیه سوئد، منطقی و مصداق دفاع از منافع ملی است. مگر منافع ملی چیزی جز دفاع از ارزش‌های ملت شامل باورها و ارزش‌های آنان است؟

جمهوری اسلامی ایران با جمعیت ۸۰ میلیونی و اغلب مسلمان و همچنین داشتن حاکمیت اسلامی از موقعیتی بسیار خوب برای به دست گرفتن ابتکار عمل میان کشورهای مسلمان برخوردار است. ایران می‌تواند با استفاده از ظرفیت‌های گوناگونی چون سازمان همکاری اسلامی و همچنین همسایگی با کشورهای مسلمان، در ترغیب این کشورها به واکنشی هماهنگ در چنین شرایطی پیشگام شود. هرچند اقدامات مردمی همچون تحریم خودجوش کالاها سوئدی و برگزاری تجمع و تظاهرات علیه سوئد و این اقدام موهن و پویش در فضای مجازی تأثیرگذار و مهم است اما جای نقش‌آفرینی حاکمیت را نمی‌گیرد. وزارت امور خارجه با اقداماتی چون احضار یا اخراج سفیر، کاهش سطح روابط، نامه رسمی به دولت سوئد، تماس تلفنی با مقامات کشورهای اسلامی و درخواست جلسه اضطراری به عنوان مثال در قالب سازمان همکاری اسلامی برای بررسی موضوع می‌تواند مکمل پازل اجماع سراسری علیه اسلام‌ستیزی در غرب باشد.

تا زمانی که کشورهای غربی بابت حمایت‌شان از این دست اقدامات هزینه‌ای نپردازند، این اقدامات ادامه خواهد داشت. کما اینکه پس از اتفاق در دانمارک هم هتک حرمت قرآن روی داد. تنها راه مقابله و توقف چنین حوادثی، واکنش قاطع و هماهنگ مسلمانان در سراسر دنیا و کشورهای اسلامی است.

نقد

«حوا» دیده و پسندیده شد!



جبار آئین
منتقد و مدرس سینما و تلویزیون

نخستین جشنواره فیلم «حوا» در دو بخش ملی و بین‌المللی برگزار شد و بویژه مورد توجه زنان و دختران هنرآفرین و خانواده‌ها قرار گرفت. گرچه در ایران فضای فرهنگ و هنر کشور، هر سال ده‌ها جشن و جشنواره بزرگ و کوچک هنری و فرهنگی برگزار می‌شود، ولی بجز چند جشنواره، اغلب آنها چندان کاربردی و پاری‌بخش نهضت حراست از فرهنگ ایرانی و اسلامی نیستند. با آنکه در برگزاری، حضور و شرکت آثار هنری در این جشنواره‌ها، بانوان نقش پررنگی دارند،

لیکن شمای کلی آنها مردانه است و سینماگران زن در حد شان و منزلت و هنرمندی خود، کمتر تمام‌قد دیده می‌شوند؛ بخصوص چنانچه تخریب دستاوردهای انقلابی و آرمان‌های جامعه با هدف قرار آثاری هنرمندانه در معرفی، پاسداری و ستایش ارزش و جایگاه زن و خانواده بسازند. با توجه به اینکه، در عرصه‌های هنر، هنوز هم در محاصره فیلم‌های مردانه و کم‌محتوا و گاه فرهنگ‌ستیز و فمینیستی از یکسو و هجمه‌های گسترده تبلیغاتی و روانی بیگانگان جهت تخریب دستاوردهای انقلابی و آرمان‌های جامعه با هدف قرار دادن اساس خانواده‌های ایرانی و آیین‌ها و آموزه‌های دینی از دیگر سو هستند، ضرورت راندازی یک تشکل مهم حمایتگر هنرمندان زن و آثار آنها با پایبندی به ترویج و تبلیغ سبک زندگی ایرانی و اسلامی، حفظ حریم و حرمت خانواده و زن در سینما، احساس می‌شود. برگزاری نخستین دوره جشنواره حوا که آینه‌ای منصفانه و معتقدانه با محوریت خانواده در برابر همگان قرار داده، آنچه را که با بنیان خانواده‌های متدین ایرانی مغایرت دارد و از براهه‌های تبلیغاتی فیلم‌ها و سریال‌ها و برنامه‌های ماهواره‌ها و سینمای مخالفان ایران ترویج می‌شود هم در آن سوی آینه به نمایش گذارده تا مخاطبان حوا در ایران و جهان، با شناساندن هنرمندانه خود گزینشگر راه خیر و سعادت شوند. در هر حال برگزاری جشنواره حوا را باید به فال نیک گرفت و با چند توصیه به طراحان و مجریان این جشنواره فردایی شوک‌همند برای آن آرزو کرد. مدیران و مجریان در گام نخست باید برای جشنواره خود، تعریفی منطبق با فرهنگ و نیاز جامعه و سینمای ایران، اساس‌نامه و آیین‌نامه‌های مناسب با استانداردهای برگزاری جشنواره‌های سینمایی داشته باشند. در مرحله بعد، جشنواره را قانونمند کنند. گام بعدی، پرهیز از نگاه محدود و بسته و شعاری است که هنر و هنرمند را زمینگیر و جشنواره را دچار ایستایی و کم‌فروغی می‌کند و باید با ارائه نمونه‌های موفق از زندگی زنان و خانواده‌های اسلامی و ایرانی، راه بهره‌وری هوشمندانه از دستاوردهای علمی و هنری جهانیان را بازگذاشت. دوستان به این نکته هم عنایت کنند که جشنواره حوا اهداف عالی پیش رو دارد، لذا در ورطه تقابل با گرایش‌های رایج فمینیستی و خانواده‌ستیزی مبلغان خارجی و سلب‌گرایی‌های مدیریتی نیفتند. آنها اگر راه تولید بهترین آثار خانوادگی را در روی هنرمندان بگشایند و مسئولان سینما و فرهنگ هم باتمام امکانات معنوی و مادی از آنها پشتیبانی کنند، تولیدات پربیننده و تأثیرگذار حوا به‌خودی‌خود به حذف آنچه برای خانواده‌های ایران اسلامی نامناسب است، منجر خواهد شد. بنابراین، مصمم و پویا راه خود را دنبال کنند. مسأله آخر اینکه، حوا درها را فقط برای خودی‌ها باز نگذارد و با آغوش باز تمام هنرمندان فرهیخته‌زن مرد را پذیرا باشد و بکوشد آنها را هم به جشنواره جذب کند.

نکته

قصه آدم‌هایی که ساکت‌اند ولی غایب نه!



حسام انبوس
روزنامه‌نگار

قصه کربلا را زیاد شنیده‌ایم. از بچگی با زبان‌های مختلف درباره قصه عاشورا و امامی که با خانواده‌اش با در مسیری گذاشت که پایش شهادت بود، شنیده و خوانده‌ایم و برپیمان خوانده‌اند. ولی حکایت داستان و رمان و روایت داستانی با آنچه که به آن تاریخ می‌گویند فرق دارد. هرچند که تاریخ هم نوعی از روایت است از زبان راوی یا شاهدان در صحنه ولی وقتی قرار است حرف از قصه و رمان و داستان بزنیم، طبیعتاً با تاریخ خیلی فاصله دارد. شاید اگر بخواهیم فرقی میان قصه و تاریخ بگذاریم باید بگوییم، آنجا که تاریخ ساکت است قصه‌نویس کارش شروع می‌شود و افسار توسن خیال را باز می‌گذارد تا چیزهایی ببیند که تاریخ ندیده و نگفته است. در واقع نویسنده آنجایی می‌ایستد که به آن می‌گوییم حفره تاریخ و او با داستانش این حفره را پر می‌کند طوری که در نگاه اول این‌طور به چشم می‌آید که بخشی از تاریخ است.

داوود غفرازادگان نیز همین کار را در کتاب «فراموشان» انجام داده و روایتی انتخاب کرده و از زبان آنها چیزهایی گفته و نوشته که نه می‌توان گفت اشتباه است و نه می‌توان گفت تاریخ است. برای مثال او در این کتاب، ماجرای را از زبان غلام عبید الله بن زیاد با زگو می‌کند. طبیعی است که

پسر مرجانه، غلامی داشته باشد پس اینکه راوی قصه غلام عبیدالله باشد باورکردنی نیست. اینکه غلام از چیزهایی که دیده بگوید و بخشی از بیار تاریخ را به دوش بکشد هم عجیب نیست. در واقع غفرازادگان با خلق شخصیت قصه‌گفته و البته چیزی هم به تاریخ اضافه نکرده بلکه از انسان در بستر تاریخ سخن گفته و اینکه یک غلام در آن برهه چه واکنشی داشته و چه حالتی را از سرگذرانده، بستری برای قصه‌گویی و داستان‌پردازی شده است.

غفرازادگان در این کتاب به همین سبب شش شش روایت از شش انسان نوشته که به طور قطع در ماجرا حضور داشته‌اند ولی تاریخ حرفی از آنها نزده و طبیعی است که حرف هم نزده باشد، زیرا سربرازی از سربرازان حر بن ریاحی فردی نبوده که بخواد در تاریخ حرفی بزند ولی در مقام داستان‌پردازی می‌توان از چنین شخصیتی برای قصه گفتن استفاده کرد. نه چیزی به تاریخ اضافه می‌شود و نه بازنویسی تاریخ را به اسم داستان به خود مخاطب می‌دهد. در واقع غفرازادگان از این ترند که بالاخره قصه‌ها بودند سعی کرده روایتش را بسازد و با بهره گرفتن از تردیدها و مشاهدات آنها به قصه‌اش سرو شکل داده است. این تردیدها و دودلی‌ها و شک‌هاست که یک غفرازادگان در «فراموشان» که قریب به سی سال پیش نوشته شده، یکی از اولین داستان‌های عاشورایی را برای مخاطب خلق کرده است.

«فراموشان» را باید داستان آدم‌هایی دانست که تاریخ حرفی از آنها نمی‌زند ولی سکوت آنها به معنای غیبتشان نیست.



آن را تنظیم کرده است.

کار عاشورایی محسن چاووشی

محسن چاووشی جمعه‌ای که گذشت، از قطعه جدید خود رونمایی کرد: «آواز خون» عنوان این کار است که این خواننده آن را یک آدای دین شخصی عنوان کرده. این قطعه موسیقی که برداشتی از یک نوحه قدیمی است، نذر محرمی چاووشی و آدای دین شخصی‌اش به اهل کربلا است. شعر این اثر را امید روزبه سروده و رضا فوادیان

نوشته اکبر ایرانی درباره «فیض‌الدموع»

اکبر ایرانی، نویسنده و مدیرعامل مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب با انتشار تصویری از طرح جلد «فیض‌الدموع» و کلیپ کوتاهی، بخش‌هایی از این نوشته محمدابراهیم طهرانی را با علاقه‌مندان به اشتراک گذاشته است. فیض‌الدموع، مکتبی به زبان فارسی است که نواب طهرانی ملقب به بدیع‌نگار در دوران قاجاریه آن را نوشته. در نوشته اکبر ایرانی آمده: «بخشی از خطبه حضرت زینب (س)، برگرفته از کتاب فیض‌الدموع نگاشته محمدابراهیم بدیع‌نگار تهرانی که این بنده در سی‌سالگی موفق به تصحیح آن شدم. این نخستین متن ادبی با نثری کهن و قلمی سحرانگیز بود که زندگی غمبار سالار شهیدان را روایت می‌کند و بنده جسارت کرده، دست به تحقیق و تصحیح آن زدم. خواستم در عنوان تأسیس میراث مکتوب، اثری از خود به یادگار گذاشته باشم تا چه قبول افتد و چه در نظر آید. اکنون که سی‌سال از عمر میراث‌مکتوب گذشته، سر خود چون بیرق نصر، فرز می‌گیرم که عمری به خدمتگزاری کامیاب بوده‌ام، هم گلچینی از موارث ایرانیان را مجال نشر و پخش داده و همگامی خرد برای احیای نام ایران و قدیمی کوچک برای گسترش زبان فارسی برداشته‌ام.»



یاد از واصف باختری

محمدکاظم کاظمی شاعر و نویسنده مهاجر افغانستانی به درگذشت زنده‌یاد باختری واکنش نشان داده و نوشته: «واصف باختری، بزرگ شاعران افغانستان درگذشت. او شاعر شاعران ما بود. پیشکسوت و پیشگام شعر افغانستان در نیم قرن اخیر. بعد از استاد خلیل‌الله دیگر چون او نداشتیم.» سکندر حسینی، دیگر شاعر مهاجر افغانستانی مقیم کشورمان به درگذشت زنده‌یاد و واصف باختری از چهره‌های سرشناس شعر افغانستانی در سن هشتاد و یک‌سالگی واکنش نشان داده و نوشته: «دردا و درغفا!!! چه‌ها که بر سران تک‌درخت پیر گذشت و در یک غروب غریبانه دور از آغوش وطن کوچید و چنانکه خودش گفت، یگانه آمد و تنها نشست و فرد گذشت. او که برای ما سال‌ها از حقیقت فردای آفتابی خواند، ادیک شادمانه به کایوس مرگ لیخند می‌زند و می‌گوید: اگر درخت کهن مرد زنده بادش یاد!»



نوشته عزتی پاک درباره «آجره‌نشین خیابان الامین»

علی‌اصغر عزتی‌پاک، نویسنده و داستان‌نویس بخشی از داستان کتاب صوتی «آجره‌نشین خیابان الامین» از آثار خودش را باز نشر کرده است. این کتاب به سبک رمان اما براساس مستندات تاریخی-دینی نوشته شده است. «آجره‌نشین خیابان الامین»، رمانی درباره زندگی یک ایرانی است که به عنوان قاچاقچی به ترکیه می‌رود اما سرنوشته دیگری برایش رقم می‌خورد. سرنوشته که حضرت رقیه(س) با کرامات خود برایش رقم می‌زند و باعث می‌شود او همه چیز را رها کند و مجاور حرم شود. این رمان روایتی است از حقایق تلخی که جمال فیض‌اللهی، سرباز مدافع حرم از جنایات داعش دیده؛ روایت صادقانه و روپوره کردن مستقیم خواننده با حوادث و اوضاع سوریه از ویژگی‌های برجسته این کتاب است. عزتی‌پاک در استوری‌اش نوشته: «به سید گفتم: سید! ما و شما امام حسینی برای خودمان داریم که اگر دامانش را بگیریم، شکست در کارمان نمی‌آید. دیگران این را ندارند. این خودش خیلی پیروزی است. وقتی عقیده‌ات حسینی باشد، می‌دانی برای چه کسی می‌میری. می‌دانی مفت نمی‌میری.»

تقدیر از اهالی یک روستای کتابخوان

عبدالحکیم بهار، مروج کتابخوانی اهل روستای رمین (سیستان و بلوچستان) تصویری از کتابخانه عمومی روستای ینگچه را منتشر کرده و در صفحات بعدی هم عکس لوح تقدیری را که از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به مردم روستای مذکور بابت تلاش برای گسترش کتابخوانی داده شده، آورده است.

عکس نوشت



هفدهمین حراج تهران با اجرای حسین پاکدل و با چکش خوردن اولین اثر از سعید صادقی برگزار شد. عکس «هیچکس ما را نشناخت (اعزام نیرو به جبهه-تهران)» از سعید صادقی که چاپ فاین‌آرت روی بوم است، ۱۴۰ میلیون تومان قیمت‌گذاری شده بود که ۳۲۰ میلیون تومان فروخته شد.

عکس: ایستا